

جغرافیا و توسعه - شماره ۱۱ - بهار و تابستان ۱۳۸۷

صص: ۱۹۸ - ۱۸۱

وصول مقاله: ۱۳۸۵/۷/۱۵

تأیید نهایی: ۸۶/۱۲/۵

نقش روند گسترش کالبدی شهر تبریز در ایجاد تغییرات کاربری اراضی حومه شهر و روستاهای حوزه نفوذ مطالعه موردی: روستاهای الوار سفلی، باغ معروف، شادآباد مشایخ و کندرود

دکتر محمد ظاهری

استادیار پژوهشی جغرافیا دانشگاه تبریز

چکیده

کلان‌شهرها به جهت برخورداری از مزایای جمعیتی و نیز تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی، همواره دگرگونی‌ها و تغییرات عمده‌ای را بر نواحی پیرامونی خود تحمیل می‌کنند. تخریب زمین‌های زراعی، نابودی فضاهای سبز، گسترش حاشیه‌نشینی و بالاخص تغییر کاربری اراضی حومه و نیز روستاهای حوزه نفوذ، از جمله آنهاست.

تحقیق حاضر جهت پاسخگویی به این سؤال اصلی که آیا تغییرات کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه متأثر از توسعه کالبدی شهر تبریز می‌باشد؟ شکل گرفته و جهت رسیدن به این سؤال، تحقیق به روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به مطالعات میدانی و بهره‌گیری از داده‌ها و تصاویر ماهواره‌ای (تصاویر چندزمانه‌ای سنجنده TM و ETM+) انجام و پس از تجزیه و تحلیل، نتیجه کلی زیر حاصل گردیده است: توسعه کلان‌شهر تبریز و تغییر دیدگاه‌های اقتصادی از بخش کشاورزی به صنعت و خدمات و به عبارتی تحولات اقتصادی و اجتماعی منبعت از تغییر مناسبات شهر و روستا به صورت مجموعه‌ای مرتبط با یکدیگر در شکل‌گیری این تغییرات مؤثر بوده‌اند.

کلیدواژه‌ها: توسعه کالبدی، کاربری اراضی، روستاهای حوزه نفوذ، حومه‌ی شهر.

مقدمه

به طور کلی به جهت وجود تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلان‌شهر تبریز با نواحی پیرامونی و از آن جمله نقاط روستایی اطراف، و نیز به دلیل نبود محدودیت و تنگناهای توسعه‌ای (قرارگیری در یک واحد همگون جغرافیایی)، می‌رود تا شهر مزبور با

ادغام با برخی از روستاهای پیرامونی خود به یک پهنه‌ی وسیع فضایی و عملکردی تبدیل و مجموعه‌ی واحدی را تشکیل دهد. بدیهی است که در همچو شکل‌گیری، علاوه بر تمرکز بیش از حد جمعیت و فعالیت، کمبود زمین برای ساختمان‌سازی برای جمعیت اضافی، افزایش قیمت زمین و نیز قیمت‌های واحدهای مسکونی، مسایل زیست محیطی مرکز شهر و سیاست‌های دولت در امر برنامه‌ریزی توسعه از جمله عوامل مؤثر به شمار می‌روند.

یکی از تبعات توسعه‌ی فضایی شهر تغییر تدریجی کاربری زمین‌های اطراف شهر و یا زمین‌های روستاهای پیرامونی است که این مسأله بالاخص در روستاهایی که در حوزه‌ی نفوذ شهر قرار گرفته‌اند، بیشتر مشهود است. توسعه‌ی کالبدی بی‌رویه شهر تبریز ضمن تخریب زمین‌های زراعی، نابودی فضای سبز و حتی گسترش حاشیه‌نشینی، موجبات تغییرات و دگرگونی‌های بس قابل توجهی در کاربری اراضی حومه و نیز روستاهای حوزه نفوذ خود گردیده است.

سابقه‌ی علمی طرح

گفتنی است که در رابطه با موضوع شهر و مسایل شهری منابع متعددی به رشته‌ی تحریر در آمده‌اند که هر یک با گرایش خاصی مسائل مربوط به شهرها را مورد بحث قرار داده‌اند، و در مقابل کمتر منبعی یافت می‌شود که در آن به وضعیت روستاهایی که تحت تأثیر گسترش انفجارگونه و لجام‌گسیخته‌ی شهرها قرار گرفته و به اصطلاح زیر آرواره‌های آن به سادگی خرد و بلعیده می‌شوند، پرداخته شود. در صورت پرداخته شدن، بنا به گفته تریکار «در محدوده‌ی منافع مختص نظام شهری است که جهان روستا به صورت علمی شایسته‌ی توجه جلوه‌گر می‌شود» (تریکار، ۱۳۷۱: ۱۰). در زمینه‌ی موضوع مقاله‌ی حاضر به استثنای مطالعات محدود به عمل آمده که در ذیل بدانها اشاره خواهد شد، مطالعات و تحقیقات دقیق علمی و در عین حال گسترده‌ای صورت نگرفته است. از جمله این مطالعات - که نتایج آنها به صورت مقالاتی منتشر شده است - می‌توان به مقالاتی چون: «توسعه تهران، دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف» (رهنمایی، ۱۳۶۹: ۵۳-۲۴) و «گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری» (نظریان، ۱۳۷۰: ۱۳۹-۹۷) اشاره نمود که بر تأثیر بی‌چون و چرای گسترش فضای فیزیکی و نیروی انسانی شهر تهران در روستاهای حوزه‌ی نفوذ تأکید دارند و گسترش انفجارگونه و لجام‌گسیخته‌ی شهر تهران را سبب نابودی روستاهای اطراف و از بین رفتن فضای زیستی جمعیت پایتخت‌نشین قلمداد می‌کنند.

مقاله‌ی دیگر در این زمینه با عنوان «گسترش فیزیکی - کالبدی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی» (نظری، ۱۳۷۷: ۲۴۱-۲۲۵)، به این نکته اشاره دارد که روند شتابان شهرنشینی و پیامدهای مختلف آن به ویژه گسترش فیزیکی شهرها و

بلعیدن اراضی زراعی پیرامون با عنایت به پدیده‌ی مهاجرت‌های روستایی در سطح کلان ملی از اهمیت والایی برخوردار می‌باشد. «گسترش شهر اصفهان» (هدایت، ۱۳۶۴: ۲۱۵-۲۶۷)، مقاله‌ی دیگری است که به رشد شتابزده‌ی شهر اصفهان بعد از سال ۱۳۴۰ اشاره دارد. و بیانگر این است که این رشد بی ضابطه، ضمن تخریب زمین‌های کشاورزی و حاصل‌خیز و باغ‌های مشجر اطراف شهر، به تدریج مشکلات عدیده‌ای را به شهر اصفهان تحمیل نموده است.

مقاله‌ی «سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران» (نظریان، ۱۳۶۴: ۲۱۳-۲۶۷) به مسایل و مشکلات حاصل از حرکت انفجاری دایم‌التزاید شهرنشینی اشاره دارد، و بر تأثیرگذاری شهرها بر سرزمین‌ها و آبادی‌های اطراف خود (که اصطلاحاً روستا یا منطقه‌ی نفوذ شهری نامیده می‌شود) تأکید می‌کند. «گسترش حومه‌های شهری»، (سیف‌الدینی، ۱۳۷۹: ۲۱۲-۲۰۰)، از جمله مقالاتی است که پدیده‌ی حومه‌نشینی^۱ و الگوهای آن را که دستاورد فرآیند کانونی نبودن (عدم تمرکز) است، بررسی می‌کند. به نظر مؤلف مقاله، الگوی گسترش حومه‌ی شهری، به اشکال مختلفی دیده می‌شود که در مرحله آغازین، زمین باز و در مرحله پایانی، گسترش شهری کامل است. آن‌گونه که در مرحله‌های آغازین زمین باز یا زمین کشاورزی به مجموعه‌ای از زیستگاه‌های جدا و پراکنده با تراکم پایین گسترش می‌یابد و در مرحله‌ی دیگر، پر شدن مرحله‌ای (*Filling in Stage*) نامیده می‌شود. مقاله‌ی دیگر در این زمینه، مقاله «دگرگونی روستاهای حاشیه‌ی شهرهای جدید صنعتی»، (سلیمانی، ۱۳۸۱: ۱۵۰-۱۲۷) است که بر این موضوع اشاره دارد که تجمع واحدهای صنعتی در نزدیکی یا در حوزه‌ی نفوذ شهرها و مجتمع‌های زیستی موجود، همواره دگرگونی‌های اقتصادی - اجتماعی و تغییرات کالبدی - فضایی و زیست‌محیطی در مقیاس محلی و منطقه‌ای به دنبال داشته است. هر چند عوامل تأثیرگذار بر تغییرات کاربری اراضی روستاهای حوزه نفوذ و بالاص روستاهای بلافصل کلان‌شهرها می‌توانند از مشابهت زیادی برخوردار باشند، لیکن در مطالعه‌ی حاضر آن تعداد از روستاهایی که از قابلیت‌های بالقوه‌ای در جهت توسعه و در نهایت ادغام با کلان‌شهر تبریز برخوردارند، مورد مطالعه قرار می‌گیرند. نبود محدودیت توپوگرافی قابل توجه حد فاصل کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه، ارزانی زمین و مسکن در روستاها در مقایسه با شهر تبریز، وجود شبکه‌های ارتباطی و امکانات حمل و نقل مناسب و بالاص نزدیکی آنها به شهر تبریز از جمله ویژگی‌های آنهاست. این ویژگی‌ها، زمینه‌ی مناسبی را برای تشدید مهاجرت، هجوم دلالان و بورس‌بازان زمین و در نهایت تشدید تغییر کاربری زمین‌های زراعی روستاها به دیگر کاربری‌ها و بالاص کاربری مسکونی فراهم نموده است. نکته‌ی قابل ذکر دیگر اینک، از میان روستاهای مورد مطالعه، روستاهای الوار سفلی، باغ معروف و کندرود در مقایسه با

روستای شادآباد مشایخ از داده‌های طبیعی و انسانی مطلوب‌تری در جهت توسعه و در نهایت ادغام با کلان شهر تبریز برخوردارند. از جمله ویژگی‌های این مطالعه، بهره‌گیری از داده‌ها و تصاویر ماهواره‌ای (تصاویر چندزمانه‌ای سنجنده TM و ETM+) در جهت نشان دادن تغییرات کالبدی کلان شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه می‌باشد.

تعریف مسأله

کلان شهرها به جهت برخورداری از مزایای جمعیتی و نیز تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی، همواره دگرگونی‌ها و تغییرات عمده‌ای را بر نواحی پیرامونی خود تحمیل می‌کنند، و این موضوعی است که کشورهای پیشرفته و در حال توسعه و از آن جمله ایران آن را تجربه می‌کنند. به عنوان مثال شهر تهران در طول ۴۰ سال اخیر بالغ بر ۲۴ شهرک و یا واحد جغرافیایی با منشأ روستایی را در محدوده‌ی استحفاظی خود شکل داده و دگرگونی‌های عمده‌ای را بر آنها تحمیل کرده است. در این میان گسترش انفجارگونه و لجام‌گسیخته‌ی کلان شهر تبریز نیز همانند شهر تهران می‌رود تا بر اساس خواست‌ها و نیازهای جامعه شهری، دگرگونی و تحولات پدیده‌ای را در عرصه‌های گوناگون زندگی برخی از روستاهای حوزه‌ی نفوذ خود داشته باشد. به عنوان نمونه، رشد شتابان جمعیت شهر تبریز و به تبع آن نیاز به مسکن و ساخت و سازهای بیشتر، گسترش کالبدی شهر را از جوانب مختلف (و بالاخص از شرق) به دنبال داشته است. حلّ این معضل در برخی از موارد از طریق تغییر کاربری اراضی مزروعی اطراف شهر و یا روستاهای مجاور و به تعبیر دیگر بلعیدن اراضی پیرامون و تبدیل آنها به کاربری مسکونی انجام پذیرفته است. آن چه که در این جا شایان ذکر است این است که شواهد نشان می‌دهد که متأسفانه توسعه‌ی کالبدی و به تبع آن تغییر کاربری اراضی، چه در اطراف شهر و چه در سکونتگاه‌های روستایی حوزه‌ی نفوذ اغلب، بدون برنامه و نااندیشیده صورت گرفته است. از سوی دیگر مهاجرپذیری برخی از روستاهای حوزه‌ی نفوذ شهر و عدم وجود مرجع و نهاد مشخص در جهت کنترل ساخت و سازها، سبب گردیده است تا توسعه‌ی کالبدی روستاها نامتوازن و بدون برنامه‌ی مدون صورت پذیرد. ناگفته پیداست که در این حالت اراضی مزروعی روستا تغییر کاربری داده و تبدیل به کاربری‌های دیگر و بالاخص مسکونی خواهند گردید.

اهداف و فرضیه‌های تحقیق

بررسی و ارزیابی تصویری کلی و جامع از تغییرات و دگرگونی‌های کاربری اراضی روستاهای حوزه‌ی نفوذ شهر تبریز، تجزیه و تحلیل وضع موجود و نیز مقایسه این تغییرات در روستاهای مورد مطالعه، موضوع و هدف اصلی مطالعه‌ی حاضر را تشکیل می‌دهد. به نظر می‌رسد که

تغییر کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه حاصل عملکرد عوامل گوناگون و با موارد ذیل در ارتباط باشد:

۱. تغییرات کاربری اراضی این گونه روستاها متأثر از توسعه‌ی کالبدی شهر تبریز می‌باشد.
۲. تغییرات کاربری اراضی روستاها زمینه‌ساز ادغام آنها در شهر تبریز است.

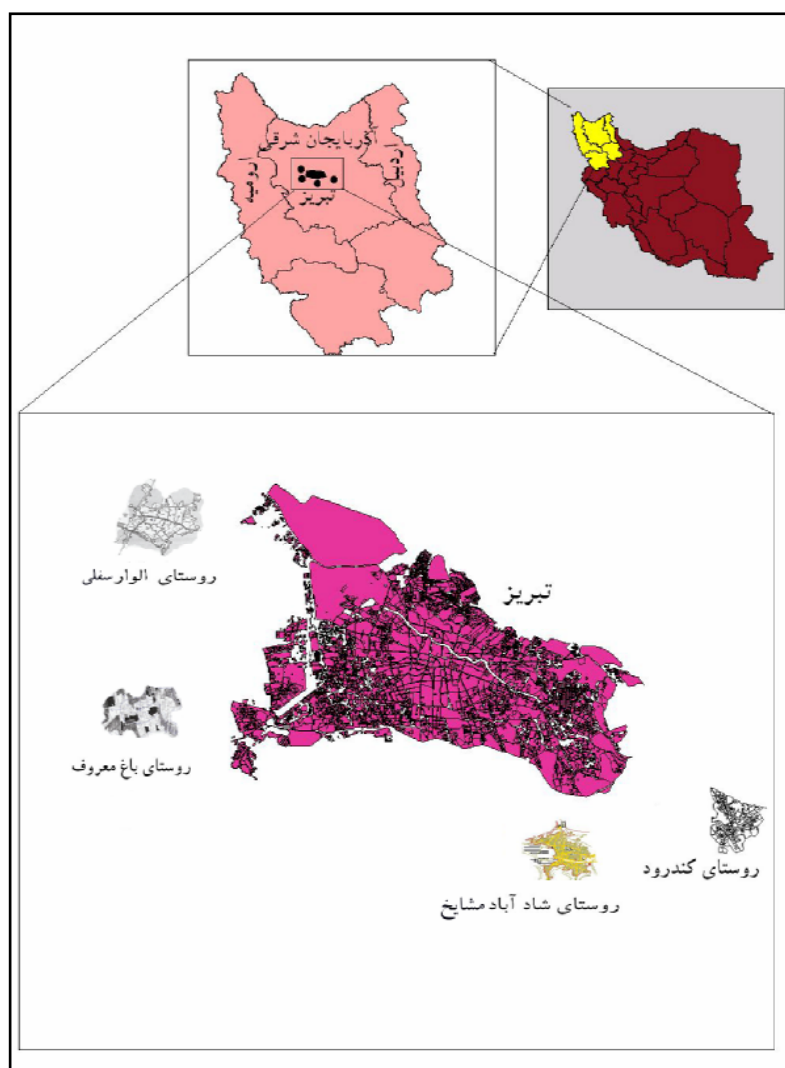
روش تحقیق

در مطالعه‌ی حاضر برای بررسی و بیان روابط و مناسبات موجود بین کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه از روش «توصیفی - تحلیلی» و برای بررسی آثار پیشین و تغییرات و تحولات صورت گرفته و مقایسه‌ی این تحولات و تغییرات از روش «اسنادی» استفاده می‌شود. از لحاظ هدف نهایی، طرح از نوع کاربردی است. شالوده‌ی مطالعه مبتنی بر مطالعات میدانی و بهره‌گیری از داده‌ها و تصاویر ماهواره‌ای (تصاویر چندزمانه‌ای سنجنده TM و ETM+) مربوط به سال‌های مختلف خواهد بود. جامعه‌ی آماری مطالعه‌ی حاضر را روستاهای کندرود در شرق، شادآباد مشایخ در جنوب شرق، الوار - سفلی در شمال غرب و باغ معروف در غرب کلان‌شهر تبریز تشکیل می‌دهند (شکل شماره ۱).

موقعیت جغرافیایی کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه

منطقه‌ی مورد مطالعه در استان آذربایجان شرقی و در شهرستان تبریز قرار گرفته است. شهر تبریز به عنوان مرکز استان و شهرستان و نیز به عنوان بزرگترین کلان‌شهر شمال غرب ایران با وسعتی حدود ۱۳۱ کیلومترمربع در موقعیت جغرافیایی ۴۶°۲۳' و ۴۶°۱۱' طول شرقی و ۳۸°۹' و ۳۸°۱' عرض شمالی با ارتفاع متوسط حدود ۱۳۴۰ متر از سطح دریا در جلگه‌ای به همین نام واقع شده است.

چهار روستای الوار سفلی، باغ معروف، شادآباد مشایخ و کندرود که جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر را تشکیل می‌دهند در جهات مختلف جغرافیایی و در جوار این شهر قرار گرفته‌اند. روستاهای الوار سفلی و باغ معروف از روستاهای جلگه‌ای دهستان آجی‌چای بوده و به ترتیب در ۶ و ۵ کیلومتری غرب شهر تبریز واقع شده‌اند. ارتفاع این روستاها از سطح دریا حدود ۱۳۳۰ متر می‌باشد که نسبت به شهر تبریز حدود ۲۰ متر در سطح پایین قرار دارند. روستای شادآباد مشایخ و کندرود نیز از روستاهای دهستان میدانچایی و به ترتیب در ۵ و ۱۲ کیلومتری شرق تبریز قرار گرفته‌اند. روستاهای مزبور به دلیل ارتباط تنگاتنگ با شهر تبریز به عنوان مرکز استان و فاصله‌ی بسیار کم با آن، همواره نیازهای خدماتی و عمومی خود را از شهر مزبور تأمین می‌کنند که یکی از دلایل این امر دسترسی آسان و سهل روستاییان به شهر تبریز است. به طور کلی با توجه به توپوگرافی منطقه تمامی روستاهای مورد مطالعه از قابلیت بالقوه‌ای در جهت توسعه به طرف کلان‌شهر تبریز برخوردارند.



شکل ۱: موقعیت منطقه مورد مطالعه

بحث

در دهه‌های اخیر اراضی پیرامون و چهره‌ی برخی از جوامع روستایی واقع در حوزه‌ی نفوذ کلان‌شهر تبریز، تحت تأثیر افزایش شدید جمعیت و به تبع آن گسترش فضایی، تغییرات قابل توجهی را به خود دیده است. از آن جایی که گسترش فضایی شهر بالاخص در سال‌های اخیر به صورت گسترش غیرارگانیک بوده است. توسعه شهر بر روی اراضی ذخیره شده (حوزه استحفاظی)، پیدایش کوی‌ها، محلات و شهرک‌ها و نیز منظره تغییر یافته جوامع روستایی واقع

در حوزه‌ی نفوذ شهر، نمود بارز این نحوه گسترش می‌باشد. لازم به ذکر است که جمعیت شهر تبریز در عرض چهار دهه‌ی اخیر به چهار برابر و از حدود ۲۹۰ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۱۱۷۲ هزار نفر در سال ۱۳۷۵ رسیده است (جدول شماره ۱). این افزایش جمعیت در پیدایش و گسترش بافت گسترده‌ی شهر تبریز (به صورت افقی) نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا کرده و از طرف دیگر به سطح تقاضای مسکن و زمین شهری افزوده است.

جدول ۱: روند افزایش جمعیت شهر تبریز طی سال‌های ۷۵-۱۳۱۹

دوره زمانی	جمعیت اول دوره (نفر)	جمعیت آخر دوره (نفر)	میزان افزایش جمعیت (نفر)	نرخ رشد سالانه سالانه (درصد)
۱۳۱۹-۱۳۳۵	۲۱۳۵۴۲	۲۸۹۹۹۶	۷۶۴۵۴	۱/۹۳
۱۳۳۵-۱۳۴۵	۲۸۹۹۹۶	۴۰۳۴۱۳	۱۱۳۴۱۷	۳/۳۵
۱۳۴۵-۱۳۵۵	۴۰۳۴۱۳	۵۹۷۹۷۶	۱۹۴۵۶۳	۴/۰
۱۳۵۵-۱۳۶۵	۵۹۷۹۷۶	۹۷۱۴۸۲	۳۷۳۵۰۶	۴/۹۷
۱۳۶۵-۱۳۷۵	۹۷۱۴۸۲	۱۱۷۲۶۹۱	۲۰۱۲۰۹	۲/۱۱

مأخذ: الاجکردی، ۱۳۷۶: ۱۱۷

به موازات افزایش شدید جمعیت شهر، توسعه‌ی کالبدی آن نیز سریع بوده است. به گونه‌ای که میزان مساحت تبریز که در سال ۱۳۳۵ برابر ۱۷۷۰ هکتار بود در سال ۱۳۵۵ به ۴۵۸۰ هکتار و در سال ۱۳۶۵ به ۱۴۰۰۰ هزار هکتار رسیده است. ارقام گویای این است که وسعت شهر بین سال‌های ۶۵-۱۳۳۵ نزدیک به هشت برابر افزایش یافته است و بالاخص شدت این توسعه و گسترش عمدتاً بین سال‌های ۶۵-۱۳۵۵ اتفاق افتاده است، به طوری که وسعت شهر در این مدت از ۴۵۸۰ هکتار به ۱۴۰۰۰ هکتار رسیده است (دادروان، ۱۳۸۰: ۷۴). این توسعه سریع به طوری که قبلاً اشاره شد، سبب شده است تا علاوه بر پیدایش کوی‌ها و شهرک‌های جدید در اطراف شهر، بعضی از روستاهای حوزه‌ی نفوذ (به همراه اراضی کشاورزی و بایر همراه آنها) نیز با پذیرش جمعیت، در آن ادغام شده و وارد محدوده‌ی آن گردند.

قبل از پرداختن به تشریح تغییرات ساختار کالبدی کلان شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه به اختصار به مواردی در خصوص ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و وضعیت تغییرات کاربری اراضی روستاها اشاره می‌شود. به طوری که در جدول شماره ۲ نیز مشاهده می‌شود، جمعیت روستای الوارسفلی از ۸۲۹ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۳۲۱۸ نفر در سال ۱۳۸۴ (۴ برابر) و تعداد خانوارهای ساکن نیز از ۱۴۶ خانوار به ۶۷۳ خانوار (۴/۵ برابر) رسیده است. از مجموع ۳۲۱۸ نفر جمعیت این روستا ۱۰۷۲ نفر در طول سال‌های ۸۴-۷۰ به این روستا مهاجرت

کرده‌اند. این افزایش در روستای باغ معروف به ترتیب از ۵۷۳ نفر به ۶۲۸۳ نفر (۱۱ برابر) و از ۱۰۷ خانوار به ۱۵۳۰ خانوار (۱۴ برابر) بوده است. از مجموع ۶۲۸۳ نفر جمعیت، ۳۴۵۵ نفر در طول ده سال اخیر به این روستا مهاجرت نموده‌اند. روند افزایش جمعیت و خانوار در دیگر روستاها نیز به همین منوال بوده است. به طوری که در روستای شادآباد مشایخ تعداد جمعیت از ۱۶۷۸ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۴۳۰۰ نفر در سال ۱۳۸۴ و تعداد خانوار نیز در این مدت از ۳۱۰ خانوار به ۹۸۲ خانوار افزایش پیدا کرده است (بیش از ۳ برابر). گفتنی است، از جمعیت ۴۳۰۰ نفری تنها در دو سال اخیر، ۹۴ نفر به این روستا مهاجرت کرده‌اند. تغییر این ارقام در روستای کندرود به ترتیب از ۱۳۴۰ نفر به ۷۹۹۵ نفر (حدود ۶ برابر) و ۲۲۶ خانوار به ۱۹۰۸ خانوار بوده است (بیش از ۸ برابر). از جمعیت ۷۹۹۵ نفری روستا، ۱۲۵۵ نفر بین سال‌های ۷۴-۷۵ و ۸۲-۸۰ به این روستا مهاجرت کرده‌اند.

جدول ۲: آمار جمعیتی روستاهای مورد مطالعه (۱۳۸۴-۱۳۴۵)

کندرود		شادآباد مشایخ		باغ معروف		الوارسغلی		روستاها سال
		خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت	خانوار	جمعیت	
۲۲۶	۱۳۴۰	۳۱۰	۱۶۷۸	۱۰۷	۵۷۳	۱۴۶	۸۲۹	۱۳۴۵*
۳۰۶	۱۷۶۰	۴۶۵	۲۳۳۶	۱۶۹	۸۲۸	۱۸۷	۱۱۵۲	۱۳۵۵
۵۳۳	۲۸۶۰	۶۲۰	۳۴۸۳	۲۳۹	۱۴۹۵	۲۹۶	۱۸۲۶	۱۳۶۵
۹۰۱	۴۲۶۷	۷۸۳	۳۷۵۸	۴۶۰	۲۴۸۴	۴۰۲	۲۱۳۱	۱۳۷۵
۱۳۵۴	۶۲۵۴	۸۷۴	۴۰۸۳	۷۷۰	۳۵۷۴	۴۹۰	۲۷۰۲	۱۳۸۰**
۱۹۰۸	۷۹۹۵	۹۸۲	۴۳۰۰	۱۵۳۰	۶۲۸۳	۶۷۳	۳۲۱۸	۱۳۸۴

* مأخذ: نتایج سرشماری نفوس و مسکن (۷۵-۱۳۴۵)

نتایج مطالعات نشان می‌دهد که تمامی روستاهای مورد مطالعه از جمله روستاهای مهاجرپذیر و مبدأ مهاجرت درصد قابل توجهی از خانوار مهاجر، شهر تبریز می‌باشد. به طوری که این سهم در روستاهای الوارسغلی، باغ معروف، شادآباد مشایخ و کندرود به ترتیب ۶۳/۲، ۴۴/۴، ۸۶/۴ و ۴۰/۵ درصد می‌باشد. بعد از تبریز مبدأ ۲۵/۴ درصد مهاجرین را شهر بستان‌آباد تشکیل می‌دهد که عمدتاً به روستاهای باغ معروف (۱۵/۸ درصد) و کندرود (۹/۹ درصد) مهاجرت کرده‌اند. شایان ذکر است، علل عمده درون‌کوچی در تمامی روستاها، تأمین زمین و یا مسکن ارزان (۴۹/۵ درصد) و نزدیکی به محل کار و فعالیت (۳۵/۳ درصد) بیان گردیده است.

از نظر ویژگی‌های اقتصادی جمعیت، نتایج حاصل از مطالعه نشان می‌دهد که از کل افراد فعال اقتصادی روستاهای الوار سفلی، باغ معروف، شادآباد مشایخ و کندرود، به ترتیب ۴۸/۹، ۳۶/۵، ۴۹/۸ و ۲۸/۰ درصد شاغل بوده‌اند (جدول شماره ۳).

جدول ۳: جمعیت ۱۰ساله و بیشتر و وضع فعالیت در روستاهای مورد مطالعه

روستا	تعداد جمعیت فعال (نفر)		درصد
	تعداد	شاغلین	
الوار سفلی	۱۶۱۶	۷۹۱	۴۸/۹
باغ معروف	۱۸۱۰	۶۶۱	۳۶/۵
شادآباد مشایخ	۲۹۹۸	۱۴۹۲	۴۹/۸
کندرود	۴۰۵۲	۱۱۳۵	۲۸/۰

مأخذ: خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه

از مجموع تعداد شاغلین روستای الوار سفلی، ۳۳/۸ درصد در فعالیتهای کشاورزی، ۵۱/۲ درصد در فعالیتهای صنعتی (قالی‌بافی، چرم‌سازی و...) و ۱۵ درصد دیگر در فعالیتهای اداری و خدماتی (رانندگی، مغازه‌داری، خرید و فروش و...) مشغول بوده و از این طریق امرار معاش می‌کنند (جدول شماره ۴). در روستای باغ معروف، کشاورزی اشتغال پایه روستاییان را تشکیل می‌دهد و اکثر روستاییان به ویژه آنهایی که مهاجر نیستند به طرق مختلف (فصلی، نظارت بر کار و...) با کشاورزی سرو کار دارند. به طور کلی در روستای مزبور ۴۸ درصد شاغلین در بخش کشاورزی، ۴۲/۷ درصد در بخش صنعت و ۷/۷ درصد در بخش خدمات اشتغال دارند. این وضعیت در روستای شادآباد مشایخ متفاوت است. به گونه‌ای که از کل جمعیت شاغل، ۲۶/۸ درصد در بخش فعالیتهای کشاورزی، ۳۵/۵ درصد در فعالیتهای صنعتی و ۳۷/۷ درصد نیز در فعالیتهای اداری و خدماتی اشتغال دارند. به طوری که ملاحظه می‌شود اشتغال غالب مردم روستا، فعالیت اداری-خدماتی است و بیشترین درصد فعالیتهای را به خود اختصاص می‌دهد و مهمترین دلیل این امر نزدیکی روستا به شهر تبریز و تأثیرپذیری از فعالیتهای شهری است. گفتنی است تعدادی از ساکنین روستا در شهر تبریز اشتغال داشته و روستا نقش خوابگاهی را برای آنها ایفا می‌کند.

در روستای کندرود، از کل جمعیت شاغل، ۲۹/۸ درصد در فعالیتهای کشاورزی، ۲۷/۷ درصد در فعالیتهای صنعتی و ۴۲/۵ درصد در فعالیتهای اداری و خدماتی اشتغال دارند. نزدیکی این روستا به بزرگترین قطب جمعیتی، صنعتی و خدماتی شمال غرب کشور (شهر تبریز) و ارتباط سریع و آسان روستا به این شهر از طریق بزرگراه تبریز - استان آباد، از نظر

فعالیت‌های اقتصادی شرایط خاصی را برای این روستا فراهم ساخته است. سهم ۴۲/۵۶ درصدی اشتغال شاغلین در بخش خدمات و سهم ۲۷/۶۶ درصدی شاغلین آن روستا در بخش صنایع، بیانگر تأثیر بسیار واضح قطب تبریز بر ساختار اقتصادی این روستاست. در کل می‌توان اذعان داشت که فعالیت‌های کشاورزی در روستای باغ معروف، فعالیت‌های صنعتی در روستای الوارسفلی و فعالیت‌های خدماتی در روستای کندرود بیشترین درصد شاغلین را بخود اختصاص می‌دهد. گفتنی است در روستای شادآباد مشایخ، فعالیت‌های صنعتی (۳۵/۵ درصد) و خدماتی (۳۷/۷ درصد) در مقایسه با کشاورزی (۲۶/۸ درصد) از درصد بالایی برخوردارند. در کل، محل اشتغال حدود ۲۶ درصد سرپرستان خانوارهای مورد مطالعه را شهر تبریز تشکیل می‌دهد. این نسبت در روستاهای الوارسفلی، باغ معروف، شادآباد مشایخ و کندرود به ترتیب ۱۹/۴، ۳۰، ۳۵/۷ و ۱۸/۴ درصد می‌باشد.

جدول ۴: شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر بر حسب گروه‌های عمده فعالیت در روستاهای مورد مطالعه

روستاها	تعداد جمعیت شاغل در بخش‌های اقتصادی	کشاورزی		صنعت		خدمات	
		تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
الوار سفلی	۷۹۱	۲۶۸	۳۳/۸	۴۰۴	۵۱/۲	۱۱۹	۱۵/۰
باغ معروف	۶۶۱	۳۲۳	۴۸/۰	۲۸۷	۴۲/۷	۵۱	۷/۷
شادآباد مشایخ	۱۴۹۲	۴۰۰	۲۶/۸	۵۳۰	۳۵/۵	۵۶۲	۳۷/۷
کندرود	۱۱۳۵	۳۳۸	۲۹/۸	۳۱۴	۲۷/۷	۴۸۳	۴۲/۵

مأخذ: خانه بهداشت روستاهای مورد مطالعه

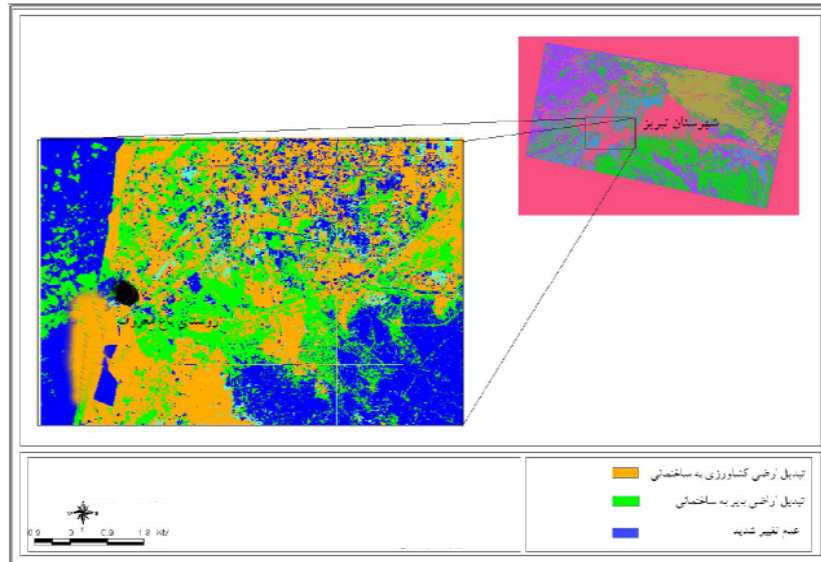
به طور کلی مهاجرپذیری و به تبع آن افزایش سریع جمعیت و نیز تحولات صورت گرفته در نوع فعالیت اقتصادی ساکنین سبب گردیده است تا تغییرات عمده‌ای در کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه صورت پذیرد. به طوری که ارقام مندرج در جدول شماره ۵ نیز نشان می‌دهد، عمده‌ی تغییرات صورت گرفته به ترتیب اهمیت در کاربری‌های زراعی، باغی و نیز بایر بوده است که علت این امر نیز بالا رفتن ارزش زمین و انجام ساخت و سازها در آنها بوده است. به گونه‌ای که از ۳۱۵ قطعه از ۵۸۷ قطعه‌ی مورد مطالعه (۵۳/۷ درصد) که قبلاً دارای کاربری زراعی، باغی و بایر بوده‌اند به ترتیب اهمیت به کاربری‌های مسکونی، تجاری- خدماتی و کارگاهی- صنعتی تغییر یافته‌اند. در کاربری مسکونی میزان این تغییرات از ۴۴/۱ درصد به ۸۶/۷ درصد، در کاربری تجاری - خدماتی از ۱/۵ درصد به ۱۰/۶ درصد و در کاربری کارگاهی- صنعتی از ۰/۷ درصد به ۲/۷ درصد بوده است. در حال حاضر از کل قطعات مورد مطالعه ۷۹/۴ درصد دارای کاربری مسکونی، ۱۶/۸ درصد تجاری- خدماتی و ۳/۸ درصد کارگاهی- صنعتی می‌باشد.

جدول ۵: توزیع درصد تغییرات صورت گرفته در کاربری قطعات مورد مطالعه در روستاها

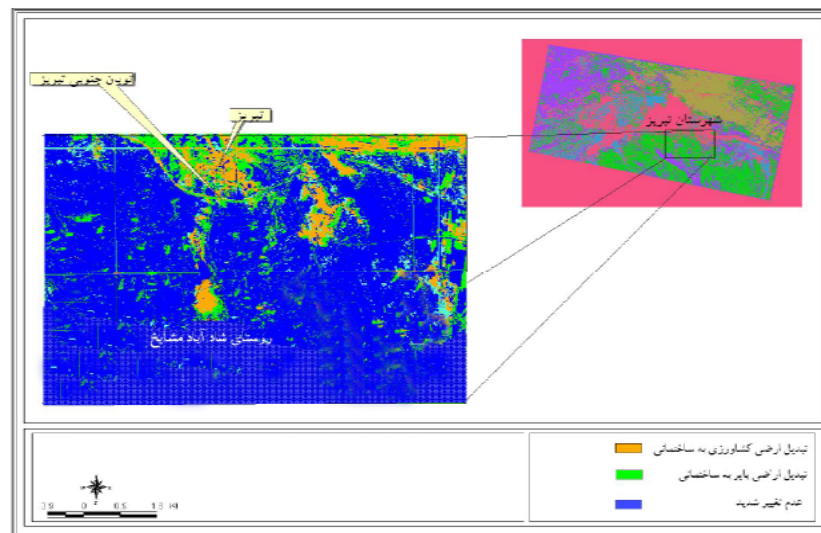
شرح کاربری	کاربری قبلی		کاربری فعلی		تغییر کاربری	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
مسکونی	۴۴/۱	۲۵۹	۸۶/۷	۵۰۹	۲۵۰	۷۹/۴
تجاری - خدماتی	۱/۵	۹	۱۰/۶	۶۲	۵۳	۱۶/۸
کارگاهی - صنعتی	۰/۷	۴	۲/۷	۱۶	۱۲	۳/۸
زراعی و باغی	۵۰/۸	۲۹۸	-	-	-	-
بایر	۲/۹	۱۷	-	-	-	-
جمع کل	۱۰۰	۵۸۷	۱۰۰	۵۸۷	۳۱۵	۱۰۰

مأخذ: مطالعات میدانی

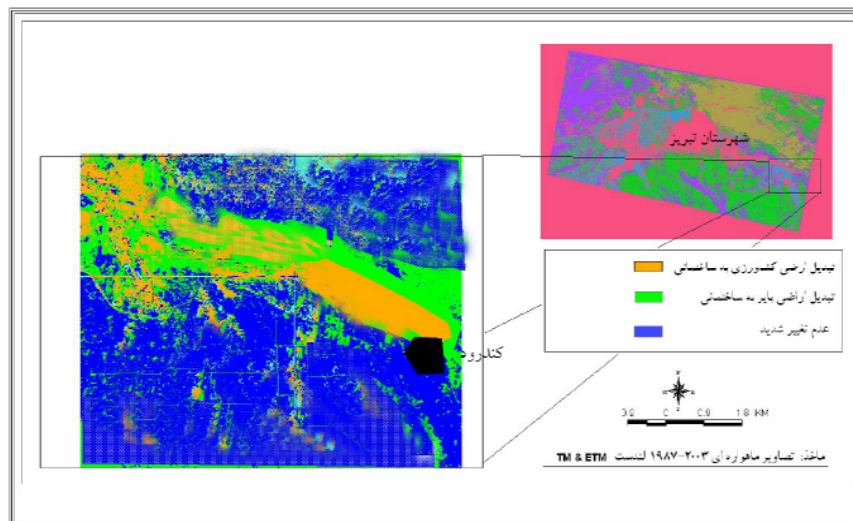
حال با استناد به تصاویر موجود و مقایسه‌ی آنها، تحولات و تغییرات صورت گرفته در ساختار کالبدی کلان شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه تشریح می‌گردد. به طور کلی از بررسی نقشه‌ها و تصاویر موجود چنین استنباط می‌شود که همگام با افزایش سریع جمعیت، تحولات کالبدی و فضایی شهر از رشد بالا و شتاب‌آلودی برخوردار بوده است و این تحولات سریع با تبعاتی چون تخریب و انهدام سطوح سبز و یا زمین‌های کشاورزی همراه بوده است. شکل شماره ۲، توسعه‌ی ادواری شهر تبریز را نشان می‌دهد. به طوری که ملاحظه می‌شود، در دهه‌های اخیر شهر تبریز بدون توجه به عوامل بازدارنده‌ای چون شرایط توپوگرافیکی بستر شهر و از آن جمله وجود ارتفاعات در شمال، شرق و جنوب شهر، قرارگیری گسل‌های متعدد در جهات مختلف شهر و بالاخص گسل بزرگ تبریز و تهدید آن توسط زمین‌لرزه‌های شدید، وجود اراضی زراعی و باغی واقع در شرق و غرب شهر، استقرار صنایع و تأسیسات متعدد در غرب و دیگر موارد، شعاع گسترش فضایی خود را در خارج از محدوده و حتی بستر طبیعی خود ادامه داده است. توسعه‌ی شهر تبریز طی چند دهه‌ی گذشته به گونه‌ای بود که در مرحله‌ی نخست گسترش خود، نواحی مزروعی و باغی حاشیه شهر را در بر گرفته است. شکل شماره ۲ این موضوع را به خوبی به اثبات می‌رساند. زمین‌هایی که در سال ۱۳۶۶ جزء مزارع و باغات اطراف شهر محسوب می‌شدند عمدتاً بین سال‌های ۸۰-۱۳۷۰ به زیر ساخت و ساز رفته و به پیکره‌ی شهر تبریز پیوسته‌اند. در مرحله بعد روستاهای نزدیک را یکی پس از دیگری در خود مستحیل کرده و سپس به علت نیاز روزافزون به واحدهای مسکونی و تأسیسات جدید، بدون برنامه‌ریزی در حواشی خود و اراضی روستاهای حوزه نفوذ به گسترش خود ادامه داده است (اشکال ۳ الی ۶). به‌طور کلی از دهه‌ی ۴۰ به بعد، شهر رشد فضایی-کالبدی شتابان و ناموزونی پیدا کرده و پیامدهای نامطلوب کالبدی به دنبال آورده است. از این دهه به بعد گسترش شهر عمدتاً با از بین رفتن سطوح سبز داخل و خارج شهر همراه بوده است و امروزه این شهر از نظر فضای سبز کاملاً فقیر به نظر می‌رسد. شهری که در گذشته به باغ‌ها و مزارع و فضاهای سبز مشهور بود. در حال حاضر، سرعت رشد بی‌رویه و بدون برنامه کلان‌شهر تبریز به گونه‌ای است که توسعه‌ی فضایی - کالبدی آن بالاخص در قطاع‌های شرقی، شمال غربی و جنوب غربی فراتر از محدوده‌های پیشنهادی در طرح‌های جامع آن است.



شکل ۴: نقشه تغییرات کاربری اراضی حدفاصل شهر تبریز و روستای باغ معروف طی سال‌های ۸۳-۶۶ مآخذ: تصاویر ماهواره ای ۲۰۰۳-۱۹۸۷



شکل ۵: نقشه تغییرات کاربری اراضی حد فاصل شهر تبریز و روستای شادآباد مشایخ طی سال‌های ۸۳-۶۶ مآخذ: تصاویر ماهواره‌ای ۲۰۰۳-۱۹۸۷



شکل ۶: نقشه تغییرات کاربری اراضی حد فاصل شهر تبریز و روستای کندرود طی سال‌های ۸۳-۶۶. مأخذ: تصاویر ماهواره‌ای ۲۰۰۳-۱۹۸۷

مهمترین قطاع‌های توسعه فضایی - کالبدی شهر

۱- با تدقیق در شکل شماره ۲ معلوم می‌گردد که یکی از قطاع‌هایی که رشد و توسعه فضایی شهر در آن به‌طور چشمگیر صورت پذیرفته است، همانا مسیر راه ارتباطی تبریز- تهران و به عبارت دیگر در امتداد روستای کندرود می‌باشد. تمرکز فعالیت‌های صنعتی، تجاری و خدماتی متعدد به موازات این محور ارتباطی تا روستای کندرود به صورت خطی شکل گرفته است.

۲- یکی دیگر از قطاع‌های توسعه‌ی فضایی- کالبدی شهر در مسیر راه ارتباطی تبریز- صوفیان واقع شده است. محوری که یکی از روستاهای مورد مطالعه یعنی روستای الوارسفلی در نزدیکی آن قرار گرفته است. این بخش یکی از مستعدترین بخش‌های رشد و توسعه‌ی فضایی شهر به‌شمار می‌رود؛ چرا که اکولوژی طبیعی مساعدتر (از جمله ژئومورفولوژی، توپوگرافی، خاک و...) رشد و توسعه‌ی شهری را در این بخش دو چندان کرده است (همان شکل).

۳- قطاع جنوب‌غربی در مسیر راه ارتباطی تبریز-آذرشهر از جمله قطاع‌هایی است که توسعه‌ی فضایی- کالبدی شهر تبریز از وسعت بیشتری برخوردار می‌باشد. آماده‌سازی و واگذاری بی‌رویه زمین از جانب ادارات دولتی، ساخت شهرک‌های مسکونی به صورت قارچ‌گونه و سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی توسعه‌ی خدمات و تسهیلات شهری موجب رشد و گسترش سریع و ناموزون شهر شده است. بورس‌بازی زمین و افزایش قیمت زمین در این بخش به نحو قابل توجهی، تغییر کاربری زمین‌ها و رشد ناموزون غیرمنسجم و نامتعادل شهر را در این منطقه تشدید کرده است. روستای باغ معروف که در نزدیکی این محور ارتباطی قرار دارد، از رشد و

توسعه‌ی کلان‌شهر تبریز تأثیرپذیری دارد و مهمترین عامل محدودکننده‌ی حد فاصل شهر و روستای باغ معروف، همانا استقرار صنایع مختلف بالاخص پالایشگاه و کارخانه‌ی پتروشیمی می‌باشد (اشکال ۲ و ۴). به‌طور کلی در مقطع قبل و بعد از تصویب طرح جامع شهر به دلیل واقع‌بینانه تهیه نشدن طرح و در نظر نگرفتن فرآیند رشد جمعیت و عللی چون عدم نظارت صحیح و نیز ضعف قدرت اجرایی دواير ذيربط بر نحوه‌ی تصرف زمین و نیز فقدان طرح و مدیریت کارآمد زمین، سبب گردید تا در این مقطع سوداگران زمین، مزارع و باغات واقع در شهر تبریز و اطراف آن را تصاحب و به صورت غیرقانونی آنها را تفکیک و در معرض بورس‌بازی زمین قرار دهند. به دنبال این توسعه‌ی ناهماهنگ، هر چند شهرداری تبریز در چهارچوب ضوابط طرح جامع، نقشه‌های تفصیلی شهر را تهیه و نحوه‌ی استفاده از زمین را تعیین کرده است، لذا عملاً به علت سوء استفاده از قوانین و بعضاً چشم‌پوشی مأمورین و مسؤولین و وجود روابط خاص، افراد اقدام به تفکیک اراضی و فروش آنها می‌کنند. که حتی بعضی بدون ثبت در دفاتر رسمی نسبت به مترائ، تفکیک و فروش اقدام می‌کنند.

نتایج بررسی و تحلیل فرآیند توسعه‌ی شهر تبریز گویای این است که شهر با روند ناموزون درونی روبرو است. فضاهای باز و بالاخص فضاهای سبز اطراف آن همواره در معرض تداخل با کاربری‌های دیگر و نهایتاً تخریب قرار گرفته و به لحاظ جمعیت‌پذیری دائماً بر تراکم‌های انسانی و ساختمانی آن افزوده می‌گردد، تاجایی که طرح‌ها و پروژه‌های شهرسازی پاسخگوی تحولات و پیامدهای حاصله نمی‌باشد (د/دروان، ۱۳۸۰: ۲۰).

آزمون فرضیه‌ها و نتیجه‌گیری

آزمون فرضیه‌ها

- *بازنگری فرضیه اول: تغییر کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه متأثر از توسعه‌ی فیزیکی شهر تبریز می‌باشد.*

مطابقت تصاویر ماهواره‌ای مربوط به سال‌های مختلف (اشکال ۲ الی ۶) گویای این است که توسعه‌ی کالبدی شهر تبریز بسیار ناموزون و ناهماهنگ صورت گرفته است. به گونه‌ای که علاوه بر نابودی مزارع و باغات اطراف شهر به نفع ساخت و سازهای شهری، برخی از روستاهای حوزه‌ی نفوذ شهر از آن جمله بارنج در شرق، لاله، رواسان و آخماقیه در جنوب و جنوب غرب، قراملک در غرب و ائل‌گلی در جنوب شرق را نیز در خود مستحیل نموده است. با تدقیق در تصاویر مشخص می‌شود که حتی زمین‌های واقع در حد فاصل کلان‌شهر تبریز با روستاهای کندرود، الوار سفلی و باغ معروف و تا حدودی روستای شادآباد مشایخ به زیر ساخت و سازهای شهری رفته و تأسیسات بسیار زیادی در آنها استقرار یافته‌اند (اشکال ۲ الی ۶). در کل در قطاع‌های شرقی، شمال‌غربی و جنوب‌غربی که روستاهای مورد مطالعه نیز در آنها واقع‌اند، بیشترین توسعه فضایی - کالبدی شهر صورت گرفته است.

- *بازنگری فرضیه دوم (تغییرات کاربری اراضی روستاهای مورد مطالعه زمینه‌ساز ادغام آنها در شهر تبریز است):*

بررسی و مقایسه‌ی تصاویر موجود (اشکال ۲ الی ۶) گویای این است که تحولات ایجاد شده در توسعه‌ی کالبدی روستاها و نیز کلان‌شهر تبریز زمینه‌ی مناسبی را برای ادغام آنها فراهم نموده است. توسعه‌ی ادواری شهر تبریز، استقرار برخی از فعالیت‌ها و تأسیسات مورد نیاز شهر در زمین‌های اطراف شهر (باغات، مزارع و...) با ایجاد بافت‌های حاشیه‌ای و بالادست بافت‌های طراحی شده که از ایجاد فعالیت‌های جدید، رونق بازار زمین و مسکن و روی آوردن بخش خصوصی به سرمایه‌گذاری‌های کلان در اقتصاد مسکن و اتخاذ سیاست‌های توزیع زمین برای غلبه بر مشکلات مسکن توسط نهادهای عمومی حاصل گردیده است، سبب شده است تا این زمین‌ها به عنوان دنباله شهر و یا به صورت پراکنده، زمینه مناسبی را برای گسترش آتی شهر فراهم کنند و چنان که اشاره شد، در این تغییرات نباید نقش ارگان‌ها، سازمان‌ها و مؤسسات دولتی و نیز بنگاه‌های معاملاتی و بورس‌بازان زمین را نادیده گرفت. شایان ذکر است توسعه‌ی کالبدی روستاهای مورد مطالعه که در نتیجه‌ی تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی به کاربری‌های دیگر و نیز اشغال زمین‌های متعلق به روستای مزبور واقع در حد فاصل شهر تبریز و روستاها توسط فعالیت‌های مختلف (کارگاه‌ها و صنایع اعم از تعمیرگاه‌ها، سنگبری‌ها و...) صورت گرفته است، شرایط را برای ادغام این روستاها با شهر تبریز، فراهم نموده‌اند و می‌رود تا روستاهای مورد مطالعه به عنوان جزئی از کالبد شهر تبریز به حساب آیند. علاوه بر تأثیرات متقابل فضایی و روابط عملکردی بین کلان‌شهر تبریز با روستاهای مورد مطالعه، شرایط محیطی و بالادست نبود محدودیت توپوگرافی قابل توجه نیز، قابلیت بالقوه‌ای را در جهت توسعه و در نهایت ادغام آنها با یکدیگر فراهم می‌کند.

تنها مورد قابل توجه در توسعه‌ی بیش از حد شهر تبریز و ادغام آن با روستاهای همجوار ویژگی تکتونیک و زلزله‌خیزی آنهاست که همگی به جهت قرارگیری در نزدیکی گسل بزرگ تبریز پیوسته مورد تهدید زمین‌لرزه‌های شدید قرار دارند و بالادست از آنجایی که تمامی منطقه بر روی رسوبات آبرفتی مستقر شده‌اند، خواه ناخواه شرایط برای افزایش شدت زمین‌لرزه‌ها در آنها مهیاست؛ لذا در صورت گسترش و توسعه شهر تبریز و ادغام آن با روستاهای همجوار باید تمهیدات لازم در این خصوص اندیشیده شود.

نتیجه‌گیری

نتایج بررسی نشان داد که گسترش انفجارگونه و لجام‌گسیخته‌ی کلان‌شهر تبریز بر اساس خواست‌ها و نیازهای جامعه‌ی شهری، دگرگونی و تحولات پیرامونی را در عرصه‌های گوناگون بر روستاهای مورد مطالعه تحمیل کرده است. نیاز به مسکن و ساخت و سازهای بیشتر برای مهاجرین، گسترش کلان‌شهر تبریز و روستاهای مورد مطالعه را از جوانب مختلف به دنبال

داشته است که این امر عمدتاً از طریق تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی و به تعبیر دیگر بلعیدن اراضی و تبدیل آنها به کاربری مسکونی انجام پذیرفته است. متأسفانه این تغییر کاربری اغلب بدون برنامه، نامتوازن و نااندیشیده صورت گرفته است. از جمله قطعه‌هایی که رشد و توسعه فضایی شهر در آن به طور چشمگیر صورت گرفته است همانا مسیر راه ارتباطی تبریز- تهران (در جهت روستای کندرود) و مسیر راه ارتباطی تبریز- صوفیان (در جهت روستای الوار سفلی) می‌باشد که به جهت فقدان طرح و مدیریت کارآمد زمین در این قطعه‌ها، سوداگران زمین مزارع و باغات واقع در اطراف شهر را تصاحب و به صورت غیرقانونی آنها را تفکیک و در معرض بورس‌بازی زمین قرار داده‌اند. بطور کلی با روند فعلی به نظر می‌رسد که به جهت نبود محدودیت و تنگناهای توسعه‌ای، کلان‌شهر تبریز با ادغام با برخی از روستاهای پیرامونی و از آن جمله روستاهای مورد مطالعه به یک پهنه‌ی وسیع فضایی و عملکردی تبدیل و مجموعه واحدی را تشکیل خواهد داد. گفتنی است در حال حاضر روستاهای کندرود و الوار سفلی در مقایسه با روستاهای باغ معروف و شادآباد مشایخ از شرایط مساعدتری برای ادغام با کلان‌شهر تبریز برخوردارند.

منابع و مأخذ

- ۱- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۹). طرح هادی روستای شادآباد مشایخ، مدیریت فنی اجرایی.
- ۲- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی (۱۳۸۰). طرح هادی روستای کندرود، مدیریت فنی اجرایی.
- ۳- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۹). طرح هادی روستای الوار سفلی، مدیریت فنی اجرایی.
- ۴- تریکار، ژان پل پلیسیه و دیگران (۱۳۷۱). *مسایل توسعه روستایی*، ترجمه ابوالحسن سروقدمقدم، انتشارات آستان قدس، شماره ۱۹۲.
- ۵- دادران، اکبر (۱۳۸۰). *بررسی و تحلیل منطقه‌ای شهر تبریز (تدوین راهبردهای توسعه فضایی آن)*، پایان‌نامه دوره کارشناسی ارشد شهرسازی، دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده هنر.
- ۶- رهنمایی، محمدتقی (۱۳۶۹). *توسعه تهران و دگرگونی در ساختارهای نواحی روستایی اطراف*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱۶.
- ۷- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲). *ارزیابی طرح‌های جامع شهری ایران*، تهران.
- ۸- سازمان برنامه و بودجه (۱۳۷۲). *مرکز آمار ایران*، تهران.
- ۹- سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی (۱۳۷۵). *مرکز آمار ایران*.

- ۱۰- سازمان جهاد سازندگی (۱۳۷۷). *طرح هادی روستای باغ معروف*، معاونت عمران و صنایع روستایی استان آذربایجان شرقی، تبریز.
- ۱۱- سلیمانی، مجید (۱۳۸۱). *دگرگونی روستاهای حاشیه شهرهای جدید صنعتی*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۶۶-۶۵.
- ۱۲- سیف‌الدینی، فرانک (۱۳۷۹). *گسترش حومه‌ای شهرها*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره‌های ۵۸ و ۵۹.
- ۱۳- شکویی، حسین (۱۳۷۹). *دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری*، انتشارات سمت، تهران.
- ۱۴- عابدین درکوش، سعید (۱۳۷۲). *درآمدی به اقتصاد شهر*، چاپ دوم، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
- ۱۵- فشارکی، پریدخت (۱۳۷۵). *جغرافیای روستایی*، مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.
- ۱۶- فشارکی، پریدخت (۱۳۶۴). *شهرگرایی روستا و معیارهای تفکیک آن از شهر*، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی، شماره ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- ۱۷- قدیری، مجتبی و وحید ریاحی (۱۳۸۳). *بررسی محورها و چالش‌های مدیریت روستایی در ایران*، نشریه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۵، دانشگاه تهران.
- ۱۸- مرکز آمار ایران (۱۳۸۱). *آمارنامه استان آذربایجان شرقی*.
- ۱۹- مرکز آمار ایران (۱۳۷۵). *آمارنامه استان آذربایجان شرقی*.
- ۲۰- مطیعی‌لنگرودی، حسن (۱۳۸۲). *برنامه‌ریزی روستایی با تأکید بر ایران*، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد.
- ۲۱- مهدوی، مسعود (۱۳۷۸). *مقدمه‌ای بر جغرافیای روستایی*، انتشارات سمت.
- ۲۲- مهندسین مشاور عرصه (۱۳۷۳). *طرح جامع شهر تبریز*.
- ۲۳- مهندسین مشاور معماری و شهرسازی زیستا (۱۳۷۸). *طرح مجموعه شهری تبریز*، وزارت مسکن و شهرسازی.
- ۲۴- نظری، عبدالحمید (۱۳۷۷). *بررسی گسترش فیزیکی-کالبدی سکونتگاههای روستایی با تأکید بر افزایش جمعیت و تغییر کاربری اراضی*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۴۹ و ۵۰.
- ۲۵- نظریان، اصغر (۱۳۸۰). *شهرهای آینده، کانون فاجعه انسانی یا بستر تعادل فرهنگی*، نشریه فضای جغرافیایی، شماره ۳، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.
- ۲۶- نظریان، اصغر (۱۳۷۵). *جایگاه شهرهای کوچک در سازماندهی فضایی و توسعه ملی*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۴۲.
- ۲۷- نظریان، اصغر (۱۳۷۰). *گسترش فضایی شهر تهران و پیدایش شهرک‌های اقماری*، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۱.
- ۲۸- نظریان، اصغر (۱۳۶۴). *سیر تحول روابط شهر و روستا در ایران*، مجموعه مقالات سمینار جغرافیایی، شماره ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.